برخی از عوامل موفقیت حضرت امام خمینی (ره)

پدید آورنده : حسن صادقی ، صفحه 13

به مناسبت سیزدهم آبان، سالروز تبعید امام به ترکیه 1343

یکی از الطاف الهی این است که همواره با پذیرفتن آن، فلاح و رستگاری و سعادت نصیب انسان می گردد.

انبیا و اوصیا که حیات واقعی خود را در سایه سلوک، تحصیل کرده اند، کوشیده اند با معرفی صراط مستقیم، بندگان را از جهالت و ضلالت نجات دهند و آن ها را به سعادت ابدی راهنمایی کنند. و این مسؤولیت سنگین و طاقت فرسا، در عصر غیبت، بر عهده علما و فقهای ربانی است.

در بین نواب عامه در دوران غیبت، یکی از چهره های برجسته که تاریخ بشریت، کمتر شخصیتی مثل ایشان را دیده، حضرت امام خمینی (ره) است. برای تبیین شخصیت حضرت امام خمینی (ره)، بهترین بیان، بیان حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) است. ایشان می فرمایند: «رجل من اهل قم یدعوا الناس الی الحق یجتمع معه قوم کَزُبُرِ الحدید لا تزلهم الریاح العواصف و لا یملون من الحرب و لا یجنبون و علی الله یتوکلون و العاقبة للمتقین».1

این مقاله بر آن است تا عوامل درونی رموز موفقیت حضرت امام و دستیابی به این جایگاه ویژه را بررسی نماید.

1ـ نظم

تأثیر نظم در زندگی انسان غیر قابل انکار است. افراد بدون وجود نظم در زندگی، ره به جایی نمی برند. موفقیت بزرگان دین من جمله حضرت امام (ره) مرهون نظم آن هاست.

امام کاظم (علیه السلام) اوقات یک مسلمان را چنین تقسیم می کند: «اجتهدوا فی أن یکون زمانکم اربع ساعات: ساعة لمناجات الله و ساعة لأمر المعاش و ساعة لمعاشرة الأخوان و الثقات الذین یعرفونکم عیوبکم و یخلصون لکم فی الباطن و ساعة تخلون فیهما للذاتکم فی غیر محرم و بعده الساعة تقدرون علی الثلاث ساعات»2

فوائد تنظیم وقت عبارتند از: 1ـ انجام کارها با سرعت و دقت بیشتر؛ 2ـ انسجام افکار؛ 3ـ پیدا شدن فرصت های تازه؛ 4ـ عدم تأخیر در کارها؛ 5ـ آرامش اعصاب و روان؛ 6ـ ارتباط بهتر با خدا؛ 7ـ تلف نشدن بیهوده وقت. 3

حضرت امام (ره) از جمله مردان بزرگی بودند که با رعایت نظم به مقامات بلندی رسیدند و دیگران را نیز قولاً و فعلاً بدان توصیه نمودند. حضرت امام (ره) می فرمایند: «وقتی اوقات و کارهای شما برکت پیدا می کند که آن ها را تنظیم کنید.»4

«نظم ایشان زبانزد بود. در تمام حوزه علمیه قم، درسی منظم تر از درس ایشان نبود. ایشان در مدت چهار سال و نیم، یک دوره درس اصول تدریس کردند، به غیر از عیدها و مراسم سوگواری و یا جمعه ها که معمولاً تعطیل است، ایشان در چهار سال و نیم، دو روز درس را تعطیل کردند که ظاهراً یک روز را کسالت داشتند. ما اصلاً در تمام حوزه علمیه قم، درسی که این طور منظم و مرتب باشد، سراغ نداریم. حتی گاهی بعضی از دوستان می گفتند: «ما ساعت هایمان را با درس ایشان منظم می کنیم». یعنی ساعتی که بنا بود ایشان بیایند، سر دقیقه تشریف می آوردند. دوستانی که به ایشان نزدیک بودند و در نجف در محضر حضرت امام بودند، می گفتند: «حدود سیزده سالی که ایشان در نجف بودند، به استثنای شب هایی که به کربلا می رفتند و چند شبی که مریض شدند و نتوانستند به حرم مشرف شوند، مرتب و منظم هر شب سر ساعت به حرم مشرف می شدند. کارهای ایشان اصولاً بسیار بسیار منظم و مرتب بود.»5

2ـ اخلاص

امام صادق (علیه السلام) اخلاص را چنین تعریف می کنند: «العمل الخالص الذی لا ترید اَن یحمدک به احد الا الله عزوجل»6

چون اخلاص صفت باطنی است و تشخیص آن کار آسانی نیست، علایمش را چنین بیان کرده اند: «اما علامة المخلص یسلم قلبه و تسلم جوارحه و بذل خیر و کف شره»7

امام راحل (ره) در تمام مراحل زندگی، در تحصیل، تدریس، تألیف و رهبری نهضت این سرّ الهی را داشته است، و بدین جهت بود که نام او ماندگار مانده است. چون به زندگی اش، رنگ خدایی زد و خدا باقی است.

«یادم است که روزی در نجف نامه ای خدمت امام نوشتم، به این مضمون: «خواهش می کنم مرا نصیحت کنید و لو این که یک نصیحت کلی باشد». ایشان در جواب فرمودند: بهترین موعظه آن است که خدا در قرآن فرموده است. قال الله تعالی: «قُل إنّما أعِظُکُم بِواحِدةٍ أن تَقوموا لِلّه».8 یعنی بهترین موعظه، همان که خدا فرموده که شما را موعظه می کنم به یک چیز و آن این است که قیام کنید برای خدا.»9

3ـ تعهد به احکام شرعی

اعمال چه خوب و چه بد دارای نتایجی هستند و احکام شرعی، اعمال خوب و بد را مشخص می کند. بنابراین شخص متعهد به احکام شرعی، اعمال خوب را انجام داده و اعمال بد را ترک کرده و در نتیجه، به نتایج دنیوی و اخروی آن ها می رسد. یکی از نتایج تعهد، وعده هدایت است. چنان که خداوند متعال می فرماید: «وَ الَّذینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهدِیَنَّهُم سُبُلَنا».10 مصداق «فینا» انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات است.

از آنجایی که علم موجودی نورانی است، «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء»،11 در دل پاک و نورانی، جای می گیرد و انجام واجبات و مستحبات دل را نورانی می کند و زمینه را برای قرار گرفتن علم، فراهم می سازد. در نتیجه، علم در آن دل قرار می گیرد. و در مقابل، انجام محرمات و مکروهات، دل را تاریک و ظلمانی می کند و علم در آن دل نمی تواند قرار بگیرد؛ زیرا سنخیتی بین علم و آن دل نیست.

بنابراین برای دریافت نور باید قلب را با اعمال صالح و صفات حسنه مستعد پذیرش نور کرد.

الف: ترک گناه و تهذیب نفس

بسیاری از دوستان جوانی حضرت امام بر این باورند که ایشان حتی، در آن زمان نیز دچار لغزشی نشدند. برای نمونه، در جلسه های خودمانی که تشکیل می شده است، برای شوخی و خنده، مطالبی هم نقل می شده است؛ چنانچه جمله ای به منظور غیبت گفته می شد، امام خود ناراحت می شدند و تذکر می دادند که غیبت امر حرامی است و جایز نیست. جوان ها و به خصوص طلبه ها باید به این صفت و ویژگی امام بسیار توجه کنند. در واقع، کسی که در دوران جوانی این قدر به حلال و حرام آداب اسلامی مقید باشد، مشخص است که فردی است که اسلام بر قلب و روح ایشان حاکم شده است. همسر محترم حضرت امام که خود زنی فاضل، متدین و اصیل هستند، جایی نقل کردند: «من شصت و دو سال با امام بزرگوار زندگی کردم، در این مدت یک غیبت از این مرد نشنیدم.»12

ب: انجام مستحبات و ترک مکروهات

یکی از شاگردان حضرت امام نقل می کند: «بیش از 12 سال است که افتخار شرکت در دروس عالیه ایشان را داشته ام و در این مدت یک عمل مکروه از ایشان ندیدم. بلکه اگر مراء و جدالی، و یا غیبت و دروغی پیش می آمد، حالت نگرانی به خوبی در چهره ایشان نمایان می شد.»13

یکی از دوستان ایشان می گوید: «بنده از سال 1309 ه . ش، با حضرت امام آشنا شدم. در این مدت با تمام وجود، این احساس را داشتم و درک کردم که می توان در پیروی از زندگی و رفتار رسول الله، از زندگی این مرد الهی نمونه گرفت و سود جست.»14

ج ـ نماز اول وقت

یکی از فرماندهان نیروی زمینی نقل می کند: «در یکی از جلسه ها، که حضرت آیت الله خامنه ای به عنوان رئیس جمهور وقت، آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس، فرماندهان سپاه و دیگر نیروها و من به عنوان فرمانده نیروی زمینی نیز حضور داشتیم، نمی دانم نوبت گزارش کدام یک از ما بود که امام ناگهان از اتاق خارج شدند. برخورد حضرت امام (ره) برای ما بسیار تکان دهنده بود. خود گزارش دهنده نتوانست جمله ناتمام خود را تمام کند؛ چرا که مات و مبهوت مانده بود که چه بگوید و برای چه کسی بگوید. اولین کسی که لب به سخن گشود و حرف زد، آقای هاشمی رفسنجانی بود. او گفت: «آقا کسالتی ایجاد شده است؟» حضرت امام با تندی برگشتند و با قاطعیت جواب دادند: خیر، وقت نماز است. من ناخودآگاه به ساعتم نگاه کردم. افق تهران را از پیش می دانستم و می توانم بگویم که ساعت و وقت بلند شدن امام برای نماز با افق تهران دقیقه ای تفاوت نداشت.»15

«همیشه وقتی که چند نفر از برادرها برای حفاظت می ایستادند، امام می فرمودند: «احتیاجی نیست، در ساعت نماز باید نماز خواند».16

دـ نماز شب

حضرت آیت الله آقا میرزا جواد ملکی تبریزی از استادشان مرحوم ملا حسینقلی همدانی نقل می کنند: «از طالبان آخرت، احدی به مقامی از مقامات دینی نرسید، مگر آن که اهل تعبد و شب زنده داری بود.»17

«پنجاه سال نماز شب امام ترک نشد. امام در بیماری، در صحت، در زندان، در خلاصی، در تبعید، حتی بر روی تخت بیمارستان قلب هم نماز شب می خواندند. امام در قم بیمار شدند، و به دستور اطبا باید به تهران منتقل می شدند. هوا بسیار سرد بود و برف می بارید. یخبندان عجیبی در جاده ها وجود داشت. امام چندین ساعت در آمبولانس بودند و پس از انتقال به بیمارستان قلب باز نماز شب خواندند.»18

«امام شبی که از پاریش به سوی تهران می آمدند، تمام افراد در هواپیما خوابیده بودند و تنها امام در طبقه بالای هواپیما نماز شب می خواندند.»19

«ایشان هفتاد سال نماز شب را به صورت متواتر خوانده اند.»20

ه ـ توسل و محبت به اهل بیت(علیهم السلام)

«ایشان در تمام مدت اقامتشان در نجف اشرف، همه شب به حرم مطهر مشرف می شدند.»21

«بعد از شهادت حاج مصطفی به نجف مشرف شده بودم. در نظر داشتم در پایان روضه، مصیبت امام حسین را هم تسلیت عرض کنم. روضه را شروع کردم و بعد تسلیت گفتم. همه حاضران شروع به گریه کردند. من خودم هم گریه کردم. به هر نحوی که می دانستم، سعی کردم که امام را وادار به گریه کنم، ولی امام گریه نکردند. تا به اسم امام حسین(علیه السلام) رسیدم، امام گریه کردند و آنچنان شدید گریه می کردند که شانه هایشان بالا و پایین می رفت».22

و ـ اهتمام و مداومت بر قرائت قرآن

امام هر روز دست کم 50 آیه و در بعضی از ایام 10 جزء قرآن تلاوت می کرد.23

«در فاصله ای که بعد از نماز ظهر و عصر برای ناهار می آمدند اگر در این مدت کوتاه چند دقیقه ای فرصت می شد، قرآن بر می داشتند و می خواندند و گاهی این اوقات کمتر از 2 دقیقه بود.»24

ز ـ احترام به علمای دینی

از وحید بهبهانی پرسیدند: چگونه به این مقام رسیدی؟ ایشان جواب دادند: «اگر به این رسیده ام، مرهون احترامی است که به فقها و علمای اسلام می گذارم». و این خصلت بزرگ، همیشه در امام جلوه ای خاص داشت. نه فقط به امثال شیخ طوسی ما، صاحب جواهرها، شیخ انصاری ها و... احترام خاص می گذاشتند و با تجلیل از آنان یاد می کردند، بلکه درباره امثال آیت الله العظمی بروجردی بارها می فرمودند: «در سر حد کرامت است که یک پیر مرد، به این خوبی حوزه علمیه را، بلکه عالم تشیع را اداره می کند». و درباره مؤسس حوزه علمیه قم می فرمودند: «درباره بزرگی او همین بس که توانست در آن زمان سخت که رضا شاه تصمیم داشت حوزه و روحانیت را نابود کند، حوزه ها بلکه روحانیت را حفظ کند. و این امانت را به ما داد تا ما به دیگران رد کنیم».25

ادامه دارد...

پی نوشت ها:

1ـ عصر ظهور، ص 236 به نقل از بحارالانوار، ج 60، ص 216.

2ـ تحف العقول، ص 433.

3ـ ره توشه راهیان نور، ج 26، ص 170

4ـ پا به پای آفتاب، ج 4، ص 99.

5ـ همان، ص 49.

6ـ میزان الحکمه، ج 3، ص 64.

7ـ همان.

8ـ سبأ/ 46.

9ـ پا به پای آفتاب، ج 4، ص 222.

10ـ عنکبوت، 69.

11ـ مصباح الشریعه، ص 16.

12ـ پا به پای آفتاب، ج 4، ص 72.

13ـ همان، ص 159.

14ـ همان، ص 12.

15ـ ره توشه راهیان نور، ج 26، ص 472.

16ـ سرگذشت های ویژه، ج 4، ص 47.

17ـ اسرار الصلوة، ص 463.

18ـ سرگذشت های ویژه، ج 2، ص 51.

19ـ همان.

20ـ پا به پای آفتاب، ج 4، ص 72.

21ـ سرگذشت های ویژه، ج 5، ص 45.

22ـ پا به پای آفتاب، ج 4، ص 124.

23ـ ره توشه راهیان نور، ج 26، ص 472.

24ـ سرگذشت های ویژه، ج 4، ص 46.

25ـ پا به پای آفتاب، ج 4، ص 160.